

محمد عالم افتخار

15-09-2013

روح اعتماد به نفس و خود باوری در کالبد فرسوده و بی امید افغانستان

دستیابی تیم ملی فوتبال افغانستان به مقام قهرمانی جنوب آسیا مبارک باد!

جوانان برومند افغانستان؛

هموطنان نجیب زجر دیده!

صعود جوانان ورزشکار تیم ملی فوتبال افغانستان به مقام قهرمانی مسابقات فوتبال جنوب آسیا را به فرد فرد شما و کافه هموطنان مقیم و مهاجر در سراسر جهان؛ از صمیم قلب و ژرفای وجدان ملی و بشری خود؛ تبریک و تهنیت میگویم.

مبارک باد آن جامه؛ که اندر رزم پوشندش گوارا باد آن باده؛ که اندر فتح نوشندش

شمارا جامه و باده؛ گوارا و مبارک باد!

دست یابی تیم ملی فوتبال افغانستان به مقام قهرمانی مسابقات فوتبال جنوب آسیا؛ حقیقتاً یک حماسهء بزرگ صلح آمیز ملی مردم افغانستان بوده و در لحظات کنونی تاریخی که کشور در هم کوبیده و مردم خسته و بی رمق مان از آن میگذرند؛ حکم یک روح تازه، یک موج امید و یک وثیقه اعتماد به نفس کارساز را دارا میباشد!

اهمیت و اثر گذاری این پیروزی در آن است که به هیچ وجه؛ صرفاً یک بُرد مسابقه ای و ورزشی نبوده بلکه دارای تبعات عدیده روانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی میباشد.

حصول این پیروزی؛ یک طرف معادله؛ و تبارز ادراک و احساس و شعور جهانیان و جهانشناسانه احاد مختلف مردم شهری و روستایی افغانستان در استقبال شادمانه و شورانگیز بی پیشینه از آن؛ طرف دیگر معادله میباشد.

معروف است که پادشاه اسپانیا هنگام کسب قهرمانی مسابقات جام جهانی فوتبال توسط تیم ملی اسپانیا گفته بود:

این قهرمانی ورزشکاران ما به امر توسعه و تعمیق وحدت ملی مردم اسپانیا یکشبه کاری را انجام داد که من و اجدادم؛ طی پنجاه سال نتوانسته بودیم انجامش دهیم!

به راستی هم؛ این ارزیابی بار دیگر صدق خود را؛ در جایی دیگر و برای ملت دیگر نشان داد؛ در قهرمانی تیم ملی فوتبال افغانستان و اعجاز وحدت بخش آن برای ملت افغانستان!

البته قضاوت در مورد اسپانیا و تلاش های خاندان سلطنتی اش برای وحدت ملی مردم آن کشور بزرگ؛ اینجا مقدور نیست ولی با تأسف باید اذعان کرد که دست کم در پنجاه سال اخیر؛ تمامی تلاش های قریب به اتفاق حاکمان افغانستان نه در جهت تأمین و تشنید وحدت ملی بلکه دقیقاً در جهت برعکس آن؛ بوده است و خوشبختانه اعجاز کارنامه غرور آفرین قهرمانان تیم ملی فوتبال افغانستان؛ لا اقل به گونه احساسی و عاطفی تبعات آنهمه تلاش های نفاق افکنانه نیم قرنه حاکمان فرومایه و مزدور و خاین را عقیم و برباد کرد.

مردم افغانستان که کشور شان؛ در آستانه تجزیه تلخ و بیسابقه قرار داده شده؛ و حتی « تجزیه یگانه راه علاج!» شعار رسمی و علنی جماعت هایی گردیده است؛ یکشبه شادمانه و پرغرور به خود آمدند و دیدند که پیروزی و قهرمانی ملی و جهانی؛ در تن و پیکر واحد شان است که وجود دارد.

اصلاً بنده از سمبولازیسیمون عجیبی که اخیراً از چند برآمد متوالی تیم ملی فوتبال افغانستان؛ در داخل کشور و در مسابقات جنوب آسیا صورت بسته است؛ خیلی ها شکفت زده شده ام.

در نخستین این برآمد ها؛ تیم ملی پاکستان در کابل؛ مقابل تیم ملی مان مسابقه داد و نتیجه 3 بر 0 به شکست پاکستان انجامید. و انگاه نوبت به مسابقات جام قهرمانی جنوب آسیا رسید؛ تیم ملی ما با کسب پیروزی های درشت و تعیین کننده؛ به فاینل (فاز بالایی و نهایی) مسابقات گذار نمود. در فاینل؛ تیم بسیار قوی و نامدار هندوستان؛ حریف تیم ملی جوان افغانستان بود.

تیم هندوستان قبلاً طی ده دور مسابقات جام قهرمانی جنوب آسیا؛ شش بار را قهرمان مسابقات گردیده؛ و منجمله در سال 2011 با شکست دادن تیم ملی افغانستان؛ کپ قهرمانی را از آن خود ساخته بود؛ و اما این بار علی الرغم بازی بسیار ماهرانه و سرسختانه؛ مسابقه فاینل را 0 در مقابل 2 به تیم ملی افغانستان باخت.

اگر سمبولازیسیمون حاصله را جدی بگیریم؛ پیام منبعث از آن؛ این میشود که وقتی افغانستان؛ پاکستان را شکست دهد؛ دیگر سد و مانعی در جهت پیروزی هایش باقی نمی ماند!

البته باید جدا در نظر داشته باشیم که هدف از پاکستان؛ اینجا همه مردمان ساکن آنکشور نبوده؛ بلکه آنانی اند که مردمان پاکستان را نیز به گروگان گرفته و به زور و نیرنگ ولی برابر با عرف مروج دنیای امروز؛ از این سرزمین بزرگ نماینده گی میکنند.

فراز سمبولیک دیگر؛ همانا تصادف این پیروزی سترگ ملی؛ با روز تاریخی 11 سپتامبر یعنی روز حملات کازمیک و تروریستی القاعده و شرکا بر برج های آسمانخراش تجارت جهانی در ایالات متحده امریکاست که به دلیل آن؛ کشور ما مورد هجوم امریکا و ائتلاف جهانی علیه تروریسم قرار گرفت. چنانکه معلوم است درین رویداد؛ رژیم عصر حجری طالبان موسوم به امارت اسلامی افغانستان؛ واژگون گردید و اینک پس از گذشت 12 سال؛ امریکا و قوای ائتلاف مذکور؛ بنای خروج از افغانستان را دارند و دیگر می بایستی مسایل حل نشده و انباشته شده ده ها ساله در کشور؛ فقط و فقط توسط مردمان خود افغانستان حل و فصل گردد.

مردم افغانستان و ناظران اوضاع در منطقه و جهان نسبت به این گذار و عواقب آن نگرانی های بسیاری دارند ولی انگار زمان؛ توسط سمبول پیروزی تیم ملی فوتبال افغانستان در احراز جایگاه قهرمانی مسابقات جنوب آسیا درست در روز 11 سپتامبر؛ میخواید بگویند که تروریسم عصر حجری و ایدئولوژی ها و تحرکات مشابه در همان 11 سپتامبر 2001 گور خود را کنده و جنازه خود را خوانده اند و دیگر افغانستان؛ به گذشته بر نمیگردد. بر نمیگردد که هیچ؛ در آستانه پیروزی های جهانشمول دیگری هم هست!

بدینگونه شعور و احساسات بالا آمده در مردم افغانستان بدنبال کسب قهرمانی ورزشی؛ میتواند و باید به نیروی بارز دفاع از سرزمین مادر وطن و خود گردانی ملی و مدنی در آن مبدل شود و منجمله در برگزاری انتخابات پیش روی ریاست جمهوری و انتقال مسالمت آمیز و قانونی قدرت سیاسی به یک تیم نسبتاً اهل کار و فن و تخصص در امور سرنوشتی کشور؛ و در خنثی گشتن دسایس عدیده موجود بر سر راه این امر سترگ ملی؛ مساعدت شایان نماید.

گفتنی است که ورزش فوتبال مانند خیلی خیلی از پدیده های رایج گشته دیگر در سرزمین ما؛ پدیده مدرن میباشد یعنی از مشتقات تمدن بورژوا - صنعتی است نه از بازی های عنعنوی.

ورزش فوتبال؛ صد سال قبل در زمان سلطنت امیر حبیب الله خان؛ شامل نصاب درس های ورزشی معارف کشور گشت و بنده شخصاً شاهدیم که مانند بسیاری از پدیده ها؛ علوم و مهارت های مثبت و بی عیب و ریب عصر حاضر؛ مورد مخالفت، تقبیح و تخطئه جهلای دینی و نوکران پنهان اجنبی عقب نگهدارنده افغانستان؛ قرار داشت و منجمله ردیالنه و خائینانه و جاهلاننه؛ میدان بازی فوتبال را؛ بازسازی شده «میدان کربلا» و توب فوتبال را تجسم سر «امام حسین» تلقی و تبلیغ نموده کین و نفرت و بدبینی علیه آن را؛ ایجاد مینمودند....

از جمله همین تبلیغ شوم و مماثل های آن؛ مرا به کنجکاوی در بنیاد های معارف اسلامی کشاند و در اندکترین زمان؛ دریافتم که فوتبال هیچ رابطه ای به اختلافات اموی و علوی و شیعی و سنی ... نداشته و اصلاً در باصطلاح تمدن اسلامی رشد و تکامل نکرده است و به صورت کاملاً حاضر و آماده و آموختنی و کاربردی از تمدن نوتری به ما رسیده است.

بر همین مبنا؛ پیشرفتی که پس از یک قرن تلاش و مبارزه در راه آموزش و اکتساب مهارت های بازی بین المللی و جهانی فوتبال؛ اینک نصیب ما گردیده؛ سخت ارجمند و عزیز است ولی اینجا پایان راه نیست!

شاغلین بازی های فوتبال در جهان امروز، مقام اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی - فرهنگی دیگری دارند. فوتبال در اغلب کشور های جهان؛ خودکفا و خودگردان است؛ باشگاه ها؛ فدراسیون ها و سایر تشکلات فوتبالرآن؛ صاحب ثروت های میلیونی و میلیاردی اند که از طریق عواید میدان های ورزشی؛ اعلانات تجارتي در میدان ها و حتی روی لباس بازیکنان و نظایر اینها به دست آمده است و به دست می آید.

این گونه حمایت یا عدم حمایت باشگاه ها و تشکلات فوتبال از دولت ها و سیاست ها و از صلح و از جنگ ... میتواند؛ در ماندن و رفتن و پیروزی و شکست آنها مؤثریت بزرگی داشته باشد.

منتها فوتبال؛ دارای اخلاق و کلتور متین و معینی است و غالباً به اخلاقیات و ارزش های خویش پابندی داشته و بالنتیجه آنقدر ها علیه ارزش های عام انسانی نمیتواند مورد سوء استفاده قرار گیرد و بنابراین جایگاه انسانی فوتبال خیلی رفیع و جلیل است و در امر صلح و عدالت و سلامت جوامع بشری و همگونی و همسانی فطری و گوهرین انسانی سودمندی بالایی دارد.

سطح کنونی مهارت و لیاقت اثبات شده شاغلان فوتبال در کشور ما؛ با بهره گیری از کمترین امکانات آنهم در فضای رعب و وحشت تروریستی؛ به دست آمده است که از هیچ زاویه ای با فوتبال در دیگر کشور ها و سرزمین ها حتی همسایه گان قابل مقایسه نیست.

اینکه اکنون در ردیف شماری از سرمایه داران ملی و ارباب بضاعت مشروع؛ تعدادی از غارتگران معلوم الحال ثروت های ملی و مردمی تحت تأثیر شور و احساسات برانگیخته شده مردم؛ به اصطلاح دست به جیب برده و پول هایی برای تیم ملی فوتبال کشور هدیه میکنند؛ مظهر دانش و بینش ملی و ورزشی و فرهنگی آنها نیست؛ مظهر دنباله روی ناگزیر آنان از روحیات مردم، روشنفکران و دانشگاهیان، جوانان آزاد اندیش و آزاد کنش و همان سرمایه داران و کار آفرینان ملی و اهل بضاعت مشروع میباشد و مانند مسجد سازی های ریایی؛ غایه شدیداً عوامفربانه دارد.

آرزومندیم که این تظاهر های عوامفربانه و گاه هم نفرت بر انگیز؛ موجب مکدر شدن چهره پاک و معصومانه و انسانی فوتبال و فوتبالرآن کشور نگردد. و مردمانی که از جنایتکاران جنگی، پادشاهان فساد و تبهکاری و وطنفروشی، قاتلان عزیزان خود و دزدان با پشتاره ثروت های ملی و حتی شخصی خویش نفرت برحق و مقدس دارند؛ به دلیل ناگزیری هایی که هست؛ از اینکه فوتبالرآن قهرمان ما تحایف و دعوت های آنها را می پذیرند؛ مشمنیز نگردند!

بدبختانه؛ همه جای دنیا آرمانی و مطلوب نیست و ما ناگزیریم در همین دنیا گذران و مانور کنیم و در عین حال مبارزه آگاهانه و دانشمندانه و متحدانه برای دنیای بهتر و آرمانی تر را ادامه و قوت دهیم؛

مبارزه ای که درست به گونه فوتبال و به انداز های مضاعف و تصاعدی نسبت به آن؛ دانش و فن و هنر
و محاسبه و ریاضی؛ آموختن و به کار گرفتن کار دارد!
قهرمانی و قهرمانان مان مبارک و پاکیزه و پایدار بادا!